

ساخت مقیاس سنجش دنیاگرایی (مسد) بر اساس متون دینی

الله‌رضا اکبری* / علی فتحی آشتیانی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ساخت مقیاس سنجش دنیاگرایی (مسد) از دیدگاه اسلام انجام گرفته است. در این پژوهش با استفاده از آموزه‌های اسلام، پرسش‌نامه‌ای معتبر تهیه شده تا به منزله یک مقیاس علمی، دنیاگرایی افراد را سنجده شود. در این زمینه، پرسش‌نامه ۶۰ ماده‌ای بر اساس مؤلفه‌های دنیاگرایی استخراج شده از قرآن و روایات، تهیه و در سطح محدود به صورت پیش‌آزمون اجرا شد. ابتدا روایی محتوایی این مقیاس را ده تن از کارشناسان علوم اسلامی تأیید کردند و سپس پرسش‌نامه یادشده، در جامعه آماری (دانشگاه علامه طباطبایی، مؤسسه امام خمینی و دفتر تبلیغات اسلامی) در نمونه آماری ۲۷۶ نفری اجرا شد. اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹۲ و با روش دوباره‌سنجی از هم‌بستگی پیرسون برابر ۰/۹۹ و با روش تنصیفی از همبستگی ۰/۹۵۵ برخوردار است. نتایج پژوهش در گروه نمونه نیز نشان می‌دهد که دنیاگرایی در افراد مجرد، بیش از افراد متأهل و در افراد دانشگاهی، بیش از افراد حوزوی است.

کلیدواژه‌ها: دنیاگرایی، مقیاس، اسلام، علایم روانی دنیاگرایی، علایم اجتماعی دنیاگرایی.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.

دریافت: ۸۸/۹/۱۸ - پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۹

** استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیة‌الله عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف.

مقدمه

با مروری بر آیات و روایات و همچنین، تعاریف دانشمندان علوم دینی درباره دنیاگرایی، روشن می‌شود که «دنیاگرایی، یعنی محبت استقلال‌ی به دنیا داشتن؛ به گونه‌ای که انگیزه و محرک رفتار انسان و غایت فعالیت‌های او دنیا باشد». دنیاگرا کسی است که فراتر از دنیای محسوس و لذت‌های حسی چیزی را قبول ندارد؛ انگیزه اصلی فعالیت‌های خارجی و ذهنی او دنیاست و غایتی فراتر از دنیا را در نظر ندارد؛ در نتیجه، از یاد خدا و آخرت غافل است و به تعبیر قرآن کریم که فرمود: «روی گردان باش از کسی که از یاد ما روی گردان شد و اراده نکرد مگر زندگی دنیا را؛ و این دنیا، نهایت علم اوست» (نجم: ۳۰)، دنیاگرا تنها زندگی دنیوی را برگزیده و شعاع علم او فراتر از دنیای محسوس را شامل نمی‌شود. به تعبیر دیگر قرآن کریم، «و همچون حیوانات به تمتع، شهوت‌رانی و شکم‌چرانی می‌پردازند و جایگاه آنها در آتش است» (محمد (ص): ۱۲) و معتقدند: «زندگی ما جز همین نشئه دنیا و مرگ و حیات طبیعت نیست و جز دنیا، کسی ما را نمی‌میراند» (جاثیه: ۲۴). بنابراین، دل‌خوشی این افراد بستگی به فراهم بودن نعمت‌های مادی دارد و اندوه آنان، به دلیل از بین رفتن دنیاست. محرک هیجانات، رفتارها و حرکات و سکناات آنها دنیاست و فکر و ذکر آنها، در چهارچوب دنیای محسوس دور می‌زند. آخرت را یا قبول ندارد و یا از آن غافل‌اند؛ چنین افرادی، دنیاگرا بوده و این ویژگی ناپسند آنها را «دنیاگرایی» می‌نامند.

درباره پیشینه تحقیق باید گفت: مطالعات و پژوهش‌های توصیفی قابل ملاحظه‌ای درباره دنیاگرایی و آثار و پیامدهای آن انجام شده است، اما هیچ‌گونه «مقیاسی» برای سنجش «دنیاگرایی» ساخته نشده است. این پژوهش، نخستین کاری است که در این زمینه انجام شده است. این منابع بیشتر صبغه اخلاقی دارند و یا در منابع تفسیری قرآن یافت می‌شوند.^۱

درباره ضرورت این پژوهش باید گفت: برای تجزیه و تحلیل و بررسی اثرات دنیاگرایی به روش عینی و عملیاتی و عرضه آن در مجامع علمی، ضرورت تهیه مقیاس سنجش دنیاگرایی، نمود می‌یابد.

نوآوری این پژوهش، ترجمه و برگردان یکی از معارف ارزشمند اسلامی (دنیاگرایی) به زبان علم تجربی است. این اقدام می‌تواند زمینه را برای به‌صحنه آوردن مطالب عمیق و حقایق دقیق، اما کلی و کیفی دینی، به مجامع ظریف، جزئی و کمی دانشگاهی فراهم سازد. پرسش‌نامه و مقیاس‌های کمی، زبان مشترکی است که برای همه دانشمندان تجربی قابل فهم است و براساس گفتار نورانی رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فرمود: «ما گروه انبیا با مردم به اندازه عقلشان سخن می‌گوییم»، ضرورت دارد زمینه تهیه پرسش‌نامه برای تمام معارف و آموزه‌هایی که امکان کمی شدن در آنها وجود دارد، فراهم گردد تا حقیقت اسلام به‌زبان تجربی در فضاهای آکادمیک وارد شود. «مسد» گامی است بسیار کوچک در این مسیر بسیار با عظمت که امید است مورد نظر حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف قرار گیرد.

در این پژوهش می‌خواهیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: آیا می‌توان مقیاسی برای دنیاگرایی ساخت که از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار باشد؟ آیا دنیاگرایی با نوع تحصیلات (حوزوی - دانشگاهی)، وضعیت تأهل و وضعیت اقتصادی، رابطه دارد؟ آیا بین دنیاگرایی و جنسیت، رابطه وجود دارد؟

برای تهیه «مسد»، نخست با بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، تعریفی دقیق از دنیاگرایی به دست آمد؛ سپس با استفاده از برنامه نرم‌افزاری نور ۲/۵ (جامع الاحادیث) - که دربردارنده مهم‌ترین منابع اسلامی در زمینه موضوعات گوناگون از جمله روایت و تفسیر است و متن ۴۴۲ جلد و ۱۸۷ عنوان از منابع اسلامی، از ۹۰ نویسنده معتبر در آن قرار دارد - ویژگی‌های دنیاگرایان با

جست‌وجوی کلمه «اهل دنیا» استخراج شد که ۵۲۸ مورد از این واژه در برنامه «نور ۲/۵» در روایات متعدد تکرار شده بود. تمام این موارد مطالعه شد و روایاتی که در تبیین ویژگی‌های دنیاگرایان بود، انتخاب و به یادداشت منتقل شد؛ در مرحله بعد روایات تکراری حذف گردید.

سپس در قرآن کریم، کلمه «دنیا» جست‌وجو و موارد متناسب با موضوع، انتخاب شد. در قرآن کریم، ۱۱۵ بار واژه دنیا تکرار شده است که از بین تمام این آیات، آیاتی را که به ویژگی‌های دنیا گرایان مرتبط بود، انتخاب و به یادداشت منتقل شد و در پایان، همه آیات و روایات یادداشت‌شده، چاپ شدند. سرانجام، با بررسی‌های متعدد بر روی اطلاعات به‌دست‌آمده، ویژگی‌های دنیاگرایان در شش محور جمع‌بندی شد. از این محورها را مؤلفه‌های دنیاگرایی می‌نامیم. سپس برای هر یک از مؤلفه‌ها خورده‌آزمونی برای هر یک از مؤلفه‌ها تهیه شد که تمام پرسش‌های آنها، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، برگرفته از آیات و روایات است.

مؤلفه‌های دنیاگرایی

از بررسی منابع، به‌دست آمد که دنیاگرایی از شش مؤلفه تشکیل شده است که برای سنجش آنها، خورده‌آزمون‌هایی تهیه شد. در این قسمت، تمام مؤلفه‌ها و پرسش‌هایی که آنها را می‌سنجند، مشخص شده‌اند.

۱. علایم روانی دنیا گرایانه - پرسش‌ها (۱-۱۰)

این مؤلفه دربردارنده مواد درخصوص احساسات افراد درباره برخی از ویژگی‌های روحی، مانند بی‌صبری، ناخشنودی از وضعیت زندگی، کم‌ظرفیتی، خودپسندی، خودنمایی، خودبرتربینی و نگرانی است. یکی از مستندات این مؤلفه، حدیث شریف معراج است. در این حدیث شریف، خداوند متعال به

رسول گرامیش می‌گوید: «ای احمد! به دنیا و اهلش بغض داشته باش و به آخرت و اهلش محبت داشته باش». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض می‌کند: «ای پروردگار من! اهل دنیا و اهل آخرت چه کسانی‌اند». خدای متعال می‌گوید: «اهل دنیا کسانی‌اند که خوردن، خندیدن، خواب و غضب آنها بسیار است؛ رضایت آنها اندک است؛ آمال و آرزوهای طولانی دارند، درحالی‌که مرگ آنها نزدیک است؛ از نفس خود حسابرسی نمی‌کنند. نفع اهل دنیا به دیگران، کم است؛ زیاد سخن می‌گویند. ترسشان از خدا اندک است، و سرخوشی و شادی آنها هنگام غذا خوردن، بسیار است. به‌درستی که اهل دنیا هنگام فراوانی نعمت، شکر نمی‌کنند و هنگام نزول بلا صبر نمی‌کنند». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض می‌کند: «ای پروردگار من! آیا غیر از این عیب‌ها، عیب دیگری برای اهل دنیا وجود دارد». خداوند متعال می‌فرماید: «ای احمد! عیب اهل دنیا بسیار زیاد است؛ در آنها جهل و حماقت وجود دارد؛ آنها نزد خود جز عقلایند، درحالی‌که در نزد عارفان جز و افراد احمق به‌شمار می‌آیند».^۲

نمره بالا در این خرده‌آزمون، از همین اختلالات حکایت می‌کند که همه آنها از عدم توجه کافی به مبدأ و معاد و شناخت نادرست از جهان هستی و خود محوری ناشی می‌شود. نمره پایین در این خرده‌آزمون، نشان‌دهنده تواضع، اطمینان و آرامش روحی، صبر و بردباری، و شرح صدر است. البته چون این ویژگی‌ها تشکیکی، و از حیث شدت و ضعف، دارای مراتب‌اند، هر فرد، درجه و مرتبه‌ای خاصی از دنیاگرایی دارد. در ادامه حدیث شریف معراج، پس از شمارش ویژگی اهل دنیا، به ویژگی گروه مقابل آنها پرداخته می‌شود. ایشان کسانی که در نمره دنیاگرایی، پایین‌ترین نمره را به دست می‌آورند و در این حدیث شریف، به آنها اهل آخرت یا آخرت‌گرا گفته می‌شود. خداوند درباره این گروه می‌فرماید: «ای احمد! اهل خیر و اهل آخرت چهره‌ت کیده، حیای بسیار

و حماقت اندک دارند؛ نفع آنها بسیار و مکر و نیرنگشان اندک است. مردم از دست آنها در آسایش و راحت‌اند و نفس خودشان - از شدت فعالیت و مراقبت - در سختی به سر می‌برد، گفتار آنها سنجیده است و خود را محاسبه و سرزنش می‌کنند چشم آنها می‌خوابد، ولی دل آنها بیدار است چشمشان از ترس خدا گریان و دل آنها ذاکر است، هنگامی که مردم از غافلین نوشته شوند، آنها را از ذاکرین می‌نویسند در آغاز نعمت حمد می‌کنند و در پایان آن شکر. دعایشان نزد خدا بالا می‌رود و کلامشان شنیده می‌شود. هیچ چیز حتی برای یک چشم به هم زدن، آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند. نمی‌خواهند زیاد غذا بخورند و زیاد سخن بگویند و زیاد لباس بپوشند. از زمانی که پروردگار خویش را شناخته‌اند، غذا گوارایشان نیست و از هنگامی که گناهان خویش را شناخته‌اند، هیچ مصیبتی آنها را به خود مشغول نساخته‌است. برای خطاهای خود گریه می‌کنند. نفس خود را به زحمت می‌افکنند و راحت نمی‌سازند؛ راحت شدن اهل بهشت در مرگ است.^۳

۲. گرایش‌های اجتماعی دنیاگرایانه - پرسش‌ها (۱۱-۲۴)

به این دلیل که دنیاگرایان به ظواهر و زرق و برق دنیا محبت استقلالی دارند، این ویژگی آنها در ارتباطات اجتماعی، به صورت خضوع در برابر متمولین و صاحبان منصب و مقام، فخرفروشی به امکانات مادی، انحصارطلبی، ناسپاسی، عدم گذشت، بدبینی و حرکات نمایشی بروز و ظهور می‌یابد و نمره بالا از همین ویژگی‌ها حکایت می‌کند. در حدیث معراج درباره گرایش اجتماعی اهل دنیا می‌خوانیم: «اهل دنیا اگر به کسی بدی کند، از او عذرخواهی نمی‌کند و اگر کسی از او عذرخواهی کند، عذر او را نمی‌پذیرد. کارهای زیاد و خوب مردم در نظر او اندک است. خود را برای کارهایی که انجام نداده، ستایش می‌کند و ادعای صفات و فضایی می‌کند که برای او نیست. درباره چیزهایی سخن می‌گوید که به آن

منت می‌گذارد. بدی‌های مردم را ذکر و خوبی‌های آنها را پنهان می‌کند. در برابر کسی که از او علم آموخته است، تواضع نمی‌کند. «حضرت علی علیه‌السلام در مورد علت و فلسفه کرنش اهل دنیا برای صاحبان دنیا می‌فرماید: «کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، دنیا را بر خدا مقدم‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نپردازد و بنده دنیا گردد؛»^۹ هرکس به چیزی عشق ناروا ورزد، ناینایش می‌کند و قلبش را بیمار می‌سازد؛ با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوشی بیمار می‌شنود. خواهش‌های نفس، پردهٔ عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده است. شیفتهٔ بی‌اختیار دنیا و بردهٔ آن و بردهٔ کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند. دنیا به هر سو برگردد، او نیز برمی‌گردد. هرچه هشدارش دهند، از خدا نمی‌ترسد و از هیچ پنددهنده‌ای شنوایی ندارد. آاز این گفتار امام علی علیه‌السلام به‌خوبی تملق، کرنش، تواضع و بی‌اختیاری دنیاگرایان در برابر صاحبان قدرت و مال و جاه روشن می‌گردد؛ چون ویژگی دنیاگرا، پرستش دنیا و دنیاداران است؛ آنجا که فردی را مشاهده می‌کنند که از تنعمات دنیا چیزی در دست ندارند، به او بی‌رغبت و بی‌اعتنائند و حتی به دیدهٔ تحقیر به او می‌نگرند؛ میل به ارتباط با او ندارند و از او کناره می‌گیرند؛ هرچند که او از افراد متقی و پارسا، و دارای فضایل برجستهٔ معنوی باشد. مبنای تعامل اهل دنیا با مردم در دادوستد، ازدواج، ارتباط، فعالیت سیاسی و اجتماعی، انتخاب رشتهٔ تحصیلی و شغل، براساس محبت دنیا و اصل قرار دادن آن شکل می‌گیرد. در برابر، چنان‌که در حدیث قدسی آمده است: «اهل آخرت؛ مردم در نظرشان مردگان‌اند (یعنی آنها را نه منشأ عزت خود می‌دانند که برای دنیا در برابر آنها تملق بگویند و خود را در برابر آنها نیازمند فرض کنند، و نه آنها را منشأ ذلت خود می‌دانند که در برابر آنها احساس ترس و حقارت داشته باشند و خدا در نظر آنها زندهٔ قیوم و کریم است) (او را مؤثر حقیقی در عالم هستی می‌دانند و بس.

تنها منشأ عزت و ذلت را هم او می‌دانند). در قلب آنها کوچک‌ترین دل‌مشغولی به مخلوقین یافت نمی‌شود (یعنی به تکلیف خود عمل می‌کنند و مدح و ذم مردم، محاسبات آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد).^۷

هر کس در برابر معبود خود، خاضع است؛ پس دنیاگرایان در برابر دنیا و هر کس که بهره‌ای از دنیا دارند، خضوع و خشوع دارند و آخرت‌گرایان مؤمن که شدیدترین محبت آنها برای خداست، در برابر او و کسانی که به او ایمان دارند، متواضع‌اند. این واقعیت را، هم از کلام علی‌علیه‌السلام که درباره دنیاگرایان بیان شده بود، می‌توان به دست آورد و هم از این آیه شریفه که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، به خدا زیانی نمی‌رساند؛ خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای هراس ندارند» (مائده: ۵۴). نمره پایین و یا کسب نکردن نمره در این خرده‌آزمون، نشان‌دهنده از گذشت، تواضع و خوش‌بینی فرد است و نیز نشان می‌دهد که از نظر چنین فردی، غنی و فقیر یکسانند؛ زیرا این‌گونه افراد، ارزش را در مسائل مادی نمی‌بیند و در برابر تمام ستم‌دیدگان و مسلمانان در دورترین نقاط دنیا، احساس مسئولیت می‌کند؛ چون رضایت معبود و محبوبشان را در آن می‌بینند؛ و نیز در انجام تکلیف الهی، موافقت و مخالفت دیگران برایشان اهمیتی ندارد (و لا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ) و هیچ‌گاه، به دلیل حرف دیگران، هزینه‌های بیجا نمی‌کند؛ چرا که دیگران را منشأ اثر نمی‌دانند.

۳. عدم گرایش به عبودیت - پرسش‌ها (۲۵-۳۷)

دنیاگرا، سرگرم به ظواهر دنیاست و این سرگرمی، او را از فکر مبدا و معاد غافل

کرده است. همین امر، عبادت را برای او بسیار دشوار می‌کند. دنیاگرا به صورت نقد معامله می‌کند و فکرش در قلمرو محسوسات است و وعده بهشت و نعمت‌های بهشتی انگیزه‌ای در او ایجاد نمی‌کنند؛ چون به آنها اعتقاد ندارد. بنابراین اهل عبادت واقعی نیست. در حدیث شریف معراج، خداوند متعال یکی از ویژگی‌های اهل دنیا را این گونه معرفی می‌کند: «هنگام بندگی، کسل و بی‌حال است و هنگام معصیت و نافرمانی، شجاع و بی‌باک».^۸ جهاد مالی برایش بسیار دشوار است؛ زیرا انفاق مال را اتلاف آن می‌پندارد. از طرفی شدت علاقه او به دنیا، در حد پرستش بالا رفته و چنین کسی نمی‌تواند از محبوب خود، که آن را منشأ عزت خود می‌داند، بگذرد. بسیار به زندگی علاقه دارد؛ به گونه‌ای که برای حفظ زندگی، به هر ذلتی تن می‌دهد؛ چون معتقد است که هر چه هست، همین زندگی دنیاست. از قرآن کریم، این طرز برداشت اهل دنیا کاملاً روشن می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «آنها گفتند: چیزی جز این زندگی دنیایی ما نیست و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (انعام: ۲۹). «مسئماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (مؤمنون: ۳۷). اهل دنیا با این فکر هرگز اهل جانبازی و ایثار در راه خدا نیست؛ چراکه مرگ را فنا می‌پندارد. از طرفی به آسانی گناه می‌کند؛ زیرا از عوامل بازدارنده در برابر گناه، محروم است؛ بنابراین، انگیزه برای گناه و معصیت، در او بسیار است، ولی انگیزه چندانی برای عبادت ندارد. کسانی که نمره پایین در این خرده‌آزمون می‌گیرند، در طیف مقابل قرار دارند. در راه خدا از جان و مال و تعلقات دنیوی می‌گذرند و به هیچ قیمتی معصیت خدا را نمی‌کنند؛ چون که دنیا را فانی و آخرت را باقی، و خدا را حاضر و ناظر می‌دانند. این حقیقت را از این کلام وحی نیز می‌توان به دست آورد: «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را همچون خدا

دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از عشق مشرکان به معبودهایشان) شدیدتر است (بقره: ۱۶۵). این عشق شدید باعث می‌شود که مؤمن آخرت‌گرا بتواند در راه خدا از تمام اموال خود بگذرد و هستی خود را نثار محبوب کند. آنها با انفاق مال، به دنبال تجارتی هستند که زیانی در آن نخواهد بود. «به یقین کسانی که کتاب خدا را همواره تلاوت می‌کنند و نماز را به‌پادا داشته و از آنچه به آنها روزی کرده‌ایم، نهان و آشکار انفاق نمودند، تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و زیان ندارد» (فاطر: ۲۹). برخلاف دنیاگرایان، مؤمنان آخرت‌گرا در همه حال، به یاد خدایند. «آن کسانی که خدا را در همه حال، ایستاده و نشسته و به پهلو تکیه داده، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین به تفکر و تفحص می‌پردازند (و می‌گویند): پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای، منزه‌ی تو. ما را از عذاب، محفوظ بدار» (آل عمران: ۱۹۱).

۴. تجمل‌گرایی - پرسش‌ها (۳۸-۴۵)

افراد دنیاگرا عزت، افتخار و هویت خویش را در سایه تأمین مال و ثروت طلب کرده و برای به دست آوردن این عزت و آسایش، به زراندوزی، تجمل‌گرایی تکاثر و تفاخر روی می‌آورند. حضرت علی علیه‌السلام پس از بیان ویژگی اهل دنیا می‌فرماید: «آری، چنین است کسی که دنیا در چشمش بزرگ جلوه نموده و موقعیت آن در قلبش بزرگ قرار گرفته، آن را بر خدای مقدم می‌دارد. از همه جا می‌برد و به دنیا می‌پیوندد و سخت برده آن می‌شود». سپس به چند نفر از پیامبران بزرگ الهی که دل از بردگی و بندگی دنیا بریده‌اند، برای الگوگیری، اشاره می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام ساده‌زیستی و بی‌رغبتی به دنیا را از بارزترین ویژگی‌های پیامبران برمی‌شمارد. این ویژگی‌ها در واقع، نقطه مقابل همان پیوستاری است که دنیاگرایان در یک سوی آن قرار دارند. «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را اطاعت نمایی تا راهنمایی

خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد؛ چه اینکه دنیا از هرسو بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌بازداشته و برای غیر او گسترانده شد. از پستان دنیا شیر نخورد و از زیورهای آن فاصله گرفت. اگر می‌خواهی، دومی را، موسی علیه‌السلام و زندگی او را تعریف کنم؛ آنجا که می‌گوید: «پروردگارا! هرچه به من از نیکی عطا کنی، نیازمندم». به‌خدا سوگند، موسی علیه‌السلام جز قرص نانی که گرسنگی را برطرف سازد، چیز دیگری نخواست؛ زیرا موسی علیه‌السلام از سبزیجات زمین می‌خورد؛ تا آنجا که بر اثر لاغری و آب شدن گوشت بدن، سبزی گیاه از پشت پرده شکم او آشکار بود. و اگر می‌خواهی، سومی را، حضرت داوود علیه‌السلام، صاحب نی‌های نوازنده - و خواننده بهشتیان را الگوی خویش سازی که با هنر دستان خود، از لیف خرما زنبیل می‌بافت و از هم‌نشینان خود می‌پرسید: چه کسی از شما این زنبیل را می‌فروشد؟ و با بهای آن، به خوردن نان جوی قناعت می‌کرد. و اگر خواهی، از عیسی بن مریم علیه‌السلام بگویم، که سنگ را بالش خود قرار می‌داد؛ لباس پشمی خشن به تن می‌کرد و نان خشک می‌خورد. نان خورش او گرسنگی، و چراغش در شب ماه و پناهگاه زمستان او شرق و غرب زمین بود. میوه و گل او سبزیجاتی بود که زمین برای چهارپایان می‌رویاند. زنی نداشت که او را فریفته خود سازد. فرزندی نداشت تا او را غمگین سازد. مالی نداشت تا او را سرگرم کند و آز و طمعی نداشت تا او را خوار و ذلیل نماید. مرکب سواری او دو پایش، و خدمتگزار وی دستهایش بود.^۹ حضرت علی علیه‌السلام ساده‌زیستی، بی‌رغبتی و زهد، پرهیز از تجملات و بی‌تکلفی را از ویژگی‌های برجسته آن برگزیدگان الهی معرفی می‌کند و آنها را الگوی بسیار خوبی برای پیروی نیکان برمی‌شمارد. سپس به برخی از ویژگی‌های رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم و خود آن بزرگوار پرداخته و می‌فرماید: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دنیا چندان

نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست. دو پهلویش از تمام مردم فرورفته‌تر و شکمش از همه خالی‌تر بود. دنیا را به او نشان دادند، اما نپذیرفت و چون دانست خدا چیزی را دشمن می‌دارد، آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت، و چیزی را که خدا کوچک شمرده، کوچک و ناچیز دانست. اگر در ما نباشد جز آنکه، آنچه را خدا و پیامبرش دشمن می‌دارند، دوست بداریم یا آنچه را خدا و پیامبرش کوچک شمارند، بزرگ بداریم، برای نشان دادن دشمنی ما با خدا و سرپیچی از فرمان‌های او کافی بود. و همانا پیامبر - که درود خدا بر او باد- بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، و چون برده، ساده می‌نشست، و با دست خود، کفش خود را وصله می‌زد، و جامه خود را با دست خود می‌دوخت، و بر الاغ برهنه می‌نشست و دیگری را پشت سر خویش سوار می‌کرد. پرده‌ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود. به یکی از همسرانش فرمود، این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می‌افتد، به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با دل از دنیا روی گرداند و یادش را از جان خود ریشه‌کن کرد و همواره دوست داشت تا جاذبه‌های دنیا از دیدگانش پنهان ماند و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند و امید ماندن در دنیا نداشته باشد؛ پس یاد دنیا را از جان خویش بیرون کرد و دل از دنیا بر کند و چشم از دنیا پوشاند و چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد؛ خوش ندارد به آن بنگرد یا نام آن نزد او بر زبان آورده شود. در زندگانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای تو نشانه‌هایی است که تو را به زشتی‌ها و عیب‌های دنیا راهنمایی کند؛ زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با نزدیکان خود گرسنه به سر می‌برد و با آن‌که مقام و منزلت بزرگی داشت، زینت‌های دنیا از دیده او دور ماند. پس تفکر کننده‌ای باید با عقل خویش به‌درستی اندیشه کند که آیا خدا،

محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله را به داشتن این صفات‌ها اکرام فرمود یا او را خوار کرد؟ اگر بگویید: خوار کرد، دروغ گفته و بهتانی بزرگ زده است و اگر بگویید: او را اکرام کرد، پس بداند، خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیک‌ترین مردم به خودش دور نگهداشت. پس پیروی‌کننده باید از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پیروی کند، و به دنبال او راه رود، و قدم بر جای قدم او بگذارد، و گرنه از هلاکت ایمن نمی‌باشد، که همانا خداوند، محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله را نشانه قیامت، و مژده‌دهنده بهشت، و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد. او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آخرت شد و کاخ‌های مجلل ساخت (سنگی بر سنگی نگذاشت) تا جهان را ترک گفت و دعوت پروردگارش را پذیرفت. به خدا سوگند، آن‌قدر این پیراهن پشمین را وصله زدم که از پینه‌کننده آن شرمسارم. یکی به من گفت: «آیا آن را دور نمی‌افکنی؟»، گفتم: از من دور شو؛ صبحگاهان، رهروان شب ستایش می‌شوند».^{۱۰}

افرادی که دنیاگرایی‌شان کم است و یا اصلاً در این خرده‌آزمون نمره نمی‌آورند، به دنیا با یک دید ابزاری می‌نگرند و همه چیز را برای رفع حاجت و رسیدن به آخرت می‌خواهند؛ در نتیجه، ساده زندگی می‌کنند و از تجمل‌گرایی بیزارند و برای گردآوری دنیا، حرص و ولع ندارند.

۵. عدم تعبد به احکام - پرسش‌ها (۴۶-۵۱)

دنیاگرا تحت تسلط خواهش‌های نفسانی خویش است؛ همان خواهشهایی که در تعارض با احکام زندگی‌بخش اسلام است؛ در نتیجه، به دلیل بینش نادرست درباره جهان هستی، اصالت دادن به زندگی دنیوی (مؤمنون: ۳۷) و خرافه پنداشتن زندگی پس از مرگ، دیوانه و جادوگر خطاب کردن پیامبرخداصلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم برای سرپوش گذاشتن به تمام حقایقی که آن حضرت بیان فرموده است (ذاریات:

۵۲)، بسیاری از احکام الهی را با زندگی امروزی ناسازگار می‌دانند؛ به حقانیت آن شک می‌کند و به مؤمنان که گرایش قوی به اسلام دارند، بدبین است. این تشکیک و انکارها دربارهٔ حقانیت احکام الهی، به دلیل رفع تعارض درونی است؛ بدین معنا که اگر در عین ارضای خواهش‌های نفسانی، به حقانیت دستورهای الهی، مرگ، و حساب و کتاب پس از آن اعتقاد داشته باشد، همواره دچار تعارض خواهد بود؛ بنابراین، اصل دنیای پس از مرگ را انکار می‌کنند تا تعارض آن‌ها، هرچند در ظاهر، برطرف گردد. ولی آن‌ها که در طیف مقابل قرار دارند، یعنی نمرهٔ کمی از این خرده‌آزمون می‌گیرند، به خدا و زندگی پس از مرگ یقین دارند و فانی بودن زندگی دنیا را قطعی می‌دانند؛ در نتیجه، با جان و دل فرمان‌های الهی را می‌پذیرند؛ در برابر آن‌ها تسلیم‌اند و هرکس را که به احکام الهی پایبند باشد، تحسین و تمجید می‌کنند. تسلیم آخرت‌گرایان در برابر خدا و رسولان او و هر آنچه از سوی او آمده است، در آیهٔ ۸۴ سورهٔ شریف آل‌عمران، آشکار است.

۶. آخرت‌گریزی - پرسش‌ها (۶۰-۵۲)

نمرهٔ بالا در این خرده‌آزمون، نشان‌دهندهٔ از دل‌بستگی شدید فرد به دنیا، و ترس و وحشت از آخرت و مرگ است. این افراد دنیا را به آخرت ترجیح می‌دهند. در آیات و روایات به علاقهٔ بسیار شدید دنیا‌گرایان به دنیا، ترس آن‌ها و تنفر آن‌ها از مرگ، و انکار یا به‌فراموشی سپردن آخرت، اشاره شده است. خدای متعال دربارهٔ کسانی که دستورهای او را زیر پا گذاشته و نافرمانی می‌کنند، می‌فرماید: «این‌ها همان کسانی‌اند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند، از این‌رو، عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آن‌ها را یاری نخواهد کرد» (بقره: ۸۶) و دربارهٔ یهود که برای حفظ منافع مادی و دنیوی به هر جنایتی دست می‌زنند، می‌فرماید: «و البته آن‌ها را حریص‌ترین مردم به زندگی (طولانی) خواهی یافت و (بلکه حریص‌تر) از کسانی که شرک ورزیدند! هر یک از آن‌ها دوست دارد که ای کاش

هزار سال عمر می‌کرد؛ و هرگز آن عمر دراز، دورکننده او از عذاب (جهنم) نیست و خداوند به آنچه می‌کند، بیناست» (بقره: ۹۶). در جای دیگر، علت غفلت از آخرت را چنین بیان می‌کند: «(چنین نیست که قیامت نباشد) بلکه علم آنان به آخرت (بر اثر توجه تام به دنیا) پایان یافته است؛ بلکه (با شنیدن ادله باز هم) درباره آن در شک‌اند؛ بلکه (به دلیل شقاوت و مهر بر دل‌هایشان) نسبت به آن کورند» (نمل: ۶۶). درباره دنیاگرایان، کسانی قرار دارند که به مرگ و جهان پس از مرگ عشق می‌ورزند و به بیان علی علیه السلام: «و اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرموده، روح آنان حتی به اندازه برهم زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت؛ از شوق دیدار بهشت و از ترس عذاب جهنم». شاید از همین باب است که علی علیه السلام فرمودند: «سوگند به خدا، انس و علاقه فرزند ابی طالب به مرگ در راه خدا، از علاقه کودک به پستان مادر بیشتر است».^{۱۲}

نمره پایین در این خرده آزمون، نشان از وارستگی فرد، حل شدن مسئله مرگ برای او، علاقه به زندگی پس از مرگ، و شیرین بودن دیدار ائمه هدی و پروردگار جهانیان دارد. او برای دیدار خدا و ائمه هدی، آرزوی مرگ می‌کند. آخرت‌گرایان، این مرگ را با آرزوی شهادت در راه اسلام طلب می‌کنند.

الف) روایی محتوای «مسد»

برای تشخیص «روایی محتوا»، پرسشنامه دنیاگرایی با ارائه مستندات روایی و قرآنی هر پرسش، به ده تن از کارشناسان اسلامی عرضه کردیم و مناسبت و ارتباط هر پرسش آزمون با دنیاگرایی پرسیده شد که همگی، پرسشنامه دنیاگرایی را مناسب و مرتبط با دنیاگرایی دانستند. برخی از کارشناسان، پس از تأیید روایی محتوا، نظرات تکمیلی نیز ارائه کرده بودند که در بازبینی آزمون، نظرات آنها اعمال شد.

ب) روایی سازه‌ای «مسد»

جدول ۱: همبستگی بین خرده آزمون‌های دنیاگرایی با یکدیگر و با دنیاگرایی

عوامل دنیاگرایی	ویژگی‌های روانی	اجتماعی	گرایش‌های	عبودیت	عدم گرایش به	تجمل‌گرایی	عدم تعبد به احکام	آخرت‌گریزی	دنیاگرایی
ویژگی‌های روانی	۱								
گرایش‌های اجتماعی	۰/۵۱۵	۱							
عدم گرایش به عبودیت	۰/۳۶۹	۰/۵۶۳	۱						
تجمل‌گرایی	۰/۴۹۴	۰/۶۶۶	۰/۵۳۸	۱					
عدم تعبد به احکام	۰/۳۹۷	۰/۶۲۱	۰/۶۲۹	۰/۵۸۵	۱				
آخرت‌گریزی	۰/۳۹۲	۰/۶۲۹	۰/۵۷۹	۰/۵۹۵	۰/۶۱۵	۱			
دنیاگرایی	۰/۶۳۰	۰/۸۳۹	۰/۷۷۷	۰/۸۲۹	۰/۸۱۱	۰/۸۱۴	۱		

همان‌گونه که از جدول ۱- به ست می‌آید، بین تک تک مؤلفه‌های دنیاگرایی با یکدیگر، همبستگی بسیار بالایی وجود دارد که در تمام موارد $N = 276$ و $P = 0/0001$ است. همبستگی بین مؤلفه‌های دنیاگرایی، از $r = 0/369$ تا $r = 0/839$ متغیر است.

ج) اعتبار «مسد»

۱. روش آلفای کرونباخ

در مرحله اول، «مسد» را بین ۱۰۷ نفر از طلاب و دانشجویان با نسبت مساوی توزیع کردیم که اعتبار این آزمون، از راه محاسبه آلفای کرونباخ، $0/8921$ به دست آمد؛ این نتیجه، نشان‌دهنده اعتبار قابل قبول پرسشنامه دنیاگرایی است.

۲. دوباره‌سنجی «مسد»

برای محاسبه اعتبار آزمون دنیاگرایی از راه دوباره‌سنجی، ابتدا ۱۰۷ تن از دانشجویان و طلاب علوم دینی را به تعداد مساوی گزینش کرده، از آنها خواستیم که پرسشنامه دنیاگرایی را پر کنند. پس از گذشت یک ماه، دوباره پرسش‌نامه

توسط این گروه تکمیل شد. ضریب هم‌بستگی نتایج به دست آمده از این دو نوبت اجرای پرسش‌نامه که از طریق هم‌بستگی پیرسون محاسبه شد، $(r=0/998)$ به دست آمد که در سطح $p=0/0001$ معنادار است. برای بررسی نتایج و مقایسه میانگین دو بار اجرای مختلف پرسشنامه، از آزمون t استفاده شد. آزمون t تفاوت معناداری را بین میانگین دو نوبت آزمون نشان نداد. نتایج آزمون t ، در جدول ۲ دیده می‌شود.

جدول ۲: آزمون t وابسته جهت بررسی اعتبار پرسشنامه دنیاگرایی از راه دوباره‌سنجی

p	ارزش t به دست آمده	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد افراد	شاخص‌ها
						آزمون
0/998	-35/183	106	25/4161	142/8505	107	آزمون نوبت اول
		106	25/8826	149/1869	107	آزمون نوبت دوم

۳. اعتبار «مسد» با روش توصیفی

از آنجا که دنیاگرایی یک خصیصه برگرفته از فرهنگ اسلامی است و در فرهنگ اسلامی، کمتر این ویژگی‌ها به صورت آزمون درآمده و کمی شده است، بنابراین، آزمون معادل برای دنیاگرایی وجود ندارد؛ در نتیجه، از روش توصیفی که تقریباً همین عمل را انجام می‌دهد استفاده شد.

جدول ۳: آزمون t وابسته جهت بررسی اعتبار توصیفی پرسشنامه دنیاگرایی

P	ارزش t به دست آمده	ضریب همبستگی	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد افراد	شاخص‌ها
							آزمون
0/0001	30/17	0/955	275	0/77	12/86	276	نیمه اول آزمون
				0/83	13/94	276	نیمه دوم آزمون

قابلیت اتکای آزمونها از طریق محاسبه ضریب هم‌بستگی به دست می‌آید. ضریب هم‌بستگی بین صفر و ± 1 در تغییر است. ضریب $+1$ معرف هم‌بستگی کامل و مستقیم است. همان‌گونه که دیده می‌شود، ضریب هم‌بستگی در جدول ۳ مساوی با $0/955$ است که بسیار به 1 نزدیک است؛ یعنی هم‌بستگی کامل و مستقیم بین دو خرده‌آزمون دنیاگرایی برقرار است. از سویی، تفاوت چندانی بین

دو میانگین خرده آزمون ها به چشم نمی خورد؛ در نتیجه، آزمون دنیاگرایی از دقت بالایی برخوردار است.

د) مقایسه سطح دنیاگرایی در طلاب علوم دینی و دانشجویان رشته های مختلف علوم انسانی

قطعاً سطح دنیاگرایی در آحاد و اقشار مختلف مردم یکسان نیست. پرسشنامه دنیاگرایی اگر نتواند تمایز و تفکیک ایجاد کند، انتظاری که از آن می رود را برآورده نکرده و کارآمد نبوده، نیاز به بازنگری دارد. برای تشخیص قدرت تمییز این مقیاس، آن را در بین دو قشر حوزوی و دانشگاهی، و دو جنس مذکر و مؤنث، و دو گروه مجرد و متأهل، با وضعیت اقتصادی ضعیف، متوسط، خوب و عالی در گروه نمونه ای که جمعاً ۲۷۶ نفر را تشکیل می دهد، اجرا کردیم که جدول ها و نتایج ذیل، حاصل این کار میدانی است.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد نتایج دنیاگرایی و محورهای آن، به تفکیک نوع تحصیلات و وضعیت تأهل

نوع تحصیلات	وضعیت تأهل	شاخص و	علامه روانی	دنیاگرایی اجزای گرایش های	علم گرایی به	تجمل گرایی الهی	علم تمیز به احکام الهی	آزمون گریزی	دنیاگرایی
حوزوی	متأهل	میانگین تعداد	۱۳/۶۴۷۷	۸/۹۸۸۶	۱۰/۱۲۵۰	۱۲/۶۷۰۵	۲/۶۳۶۴	۷/۴۴۳۲	۵۵/۴۶۵۹
	انحراف		۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸
	درصد	استاندارد	۴/۵۸۱۴	۴/۲۹۵۱	۵/۳۶۰۲	۶/۱۴۹۰	۲/۹۹۱۱	۴/۳۰۱۵	۱۷/۷۸۸۳
	مجرد	میانگین تعداد	۱۳/۹۶۹۷	۹/۱۵۱۵	۹/۶۰۶۱	۱۳/۵۴۵۵	۲/۸۱۸۲	۶/۱۵۱۵	۵۵/۸۴۸۵
	انحراف		۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
	درصد	استاندارد	۵/۴۸۵۷	۴/۵۲۱۶	۳/۸۹۶۶	۵/۶۱۳۰	۳/۱۲۷۰	۳/۸۸۲۰	۱۸/۹۷۸۸
دانشگاهی	متأهل	میانگین تعداد	۱۶/۱۸۱۸	۱۲/۲۷۲۷	۱۸/۹۰۹۱	۱۸/۹۰۹۱	۸/۳۱۸۲	۱۱/۲۷۲۷	۷۷/۹۰۹۱
	انحراف		۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
	درصد	استاندارد	۵/۳۲۴۱	۶/۱۱۴۴	۶/۱۱۴۴	۷/۸۶۷۴	۵/۷۶۸۴	۵/۸۴۰۶	۲۹/۲۲۴۸
	مجرد	میانگین تعداد	۱۶/۹۰۲۳	۱۵/۰۶۰۲	۱۵/۳۸۳۵	۲۰/۲۱۰۵	۱۰/۸۶۴۸	۱۲/۸۳۴۶	۹۱/۰۶۰۲
	انحراف		۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳
	درصد	استاندارد	۵/۱۵۲۰	۷/۷۵۷۵	۸/۲۴۳۲	۷/۸۲۵۸	۶/۶۲۲۷	۸/۴۲۴۵	۳۴/۲۹۹۷
مجموع	متأهل	میانگین تعداد	۱۴/۱۵۴۵	۹/۶۴۵۵	۱۰/۴۲۷۳	۱۳/۹۱۸۲	۳/۷۷۲۷	۸/۲۰۹۱	۵۹/۹۵۴۵
	انحراف		۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰
	درصد	استاندارد	۸۲۱۹	۵/۱۶۸۰	۵/۵۲۳۰	۶/۹۵۶۱	۴/۳۳۱۸	۴/۸۶۹۱	۲۲/۳۲۵۱
	مجرد	میانگین تعداد	۱۶/۳۱۹۳	۱۳/۸۸۵۵	۱۴/۲۳۴۹	۱۸/۸۸۵۵	۹/۲۶۵۱	۱۱/۵۰۶۰	۸۴/۰۶۰۲
	انحراف		۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶
	درصد	استاندارد	۵/۳۳۳۸	۷/۵۹۶۲	۷/۹۱۵۴	۷/۸۸۸۲	۶/۸۸۱۸	۸/۱۷۶۶	۳۴/۷۸۰۸

در جدول بالا داده‌های مربوط به میانگین و انحراف استاندارد برای دنیاگرایی و هریک از خرده‌مقیاس‌های آن، به تفکیک نوع تحصیلات و وضعیت تأهل، آمده است و نشان می‌دهد که تعداد حوزویان متأهل ۸۸ نفر و تعداد حوزویان مجرد ۳۳ نفر، یعنی به ترتیب، ۳۱/۸ درصد و ۱۱/۹ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهد.

تعداد دانشگاهیان متأهل ۲۲ نفر، یعنی ۷/۹ درصد و تعداد دانشگاهیان مجرد ۱۳۳ نفر، یعنی ۴۸/۱ درصد از کل نمونه است. در مجموع، تعداد افراد متأهل، - صرف نظر از اینکه حوزوی باشند یا دانشگاهی - ۱۱۰ نفر، یعنی ۳۹/۸ درصد از نمونه و تعداد افراد مجرد ۱۶۶ نفر، یعنی ۶۰/۲ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهد.

میانگین دنیاگرایی در افراد حوزوی متأهل ۵۵/۴۶ با انحراف استاندارد ۱۷/۷۸ و در حوزویان مجرد ۵۵/۸۴ با انحراف استاندارد ۱۸/۹۷ است و در دانشگاهیان متأهل با تعداد ۲۲ نفر، میانگین دنیاگرایی ۷۷/۹۰ با انحراف استاندارد ۲۹/۲۲ و در دانشگاهیان مجرد با میانگین ۹۱/۰۶ با انحراف استاندارد ۳۴/۲۹ است. میانگین دنیاگرایی در افراد متأهل - صرف نظر از اینکه حوزوی باشند یا دانشگاهی - ۵۹/۹۵ با انحراف استاندارد ۲۲/۳۲ و در افراد مجرد - اعم از اینکه حوزوی یا دانشگاهی باشند - ۸۴/۰۶ با انحراف استاندارد ۳۴/۷۸ است. در تک‌تک عوامل دنیاگرایی، همین تفاوت‌ها دیده می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون معناداری ضریب همبستگی دنیاگرایی با مشخصات فرعی.

متغیر مستقل	متغیرهای تعدیل‌کننده شاخص‌ها	جنسیت	نوع تحصیلات	وضعیت تأهل	وضعیت اقتصادی
دنیاگرایی	R همبستگی پیرسن	-۰/۰۱۸	۰/۵۱۳	۰/۳۶۳	۰/۰۶۴
	P سطح معناداری	۰/۷۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸۸

چنان‌که از جدول استفاده می‌شود، رابطه دنیاگرایی با جنسیت و نیز وضعیت اقتصادی، معنادار نیست. بین دنیاگرایی و نوع تحصیلات (حوزوی، دانشگاهی)

رابطه نسبتاً قوی ($r=0.513$) و بین دنیاگرایی و وضعیت تأهل رابطه $r=0.363$ وجود دارد؛ به این معنا که هرچه از حوزه به سوی دانشگاه و از تأهل به سوی مجرد برویم، دنیاگرایی بیشتر می‌شود. در نتیجه، دنیاگرایی در حوزویان نسبت به دانشگاهیان و در متأهل‌ها نسبت به مجردها کمتر است. از آنجا که پژوهشگر درصدد بررسی تأثیر وضعیت تأهل و مجرد بر سطح دنیاگرایی است، این بخش از پژوهش، نقش علی مقایسه‌ای به خود گرفته است؛ زیرا، پژوهشگر امکان تصادفی ساختن را نداشته است؛ به همین دلیل، در اینجا به مقایسه میانگین‌ها پرداخته است.

هدف پژوهشگر پاسخ به این دو پرسش است که «آیا بین افراد متأهل و مجرد از لحاظ سطح دنیاگرایی، تفاوت معناداری وجود دارد؟» و نیز «آیا بین دانشجویان و حوزویان از لحاظ دنیاگرایی، تفاوت معناداری هست؟» در نتیجه، با توجه به واریانس‌های دو گروه، به کمک آزمون لوین^۵ نخست یک‌سانی واریانس‌ها آزمون شده، سپس با توجه به رابطه t و درجه آزادی مربوطه و سطح معناداری ($p=0.0001$)، درباره معنادار بودن آنها قضاوت شده است: در صورتی که تفاوت میانگین‌ها معنادار باشد، فرضیه پژوهش اثبات می‌شود. داده‌های توصیفی در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات افراد دانشگاهی و حوزوی، و سطح معناداری آنها در متغیر دنیاگرایی

معناداری	درجه آزادی	t	خطای انحراف از میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	داده‌های توصیفی / نوع تحصیلات
۰/۰۰۰۱	۲۴۴/۸۴	۱۰/۵۸	۲/۷۱	۳۳/۸۵	۸۹/۱۹	۱۵۵	دانشگاهی
			۱/۶۴	۱۸/۰۴	۵۵/۵۷	۱۲۱	حوزوی

نگاهی به جدول ۶ نشان می‌دهد که میانگین دنیاگرایی در افراد دانشگاهی، بیش از افراد حوزوی است.

این جدول نشان داد که مقدار $t = 10.588$ در سطح خطای کمتر از 0.0001 ، معنادار است؛ یعنی میزان دنیاگرایی دانشجویان، بیش از حوزویان است.

جدول ۷: مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات افراد مجرد و متأهل، و سطح معناداری آنها در متغیر دنیاگرایی

معدناداری	درجه آزادی	t	خطای انحراف از میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	داده‌های توصیفی وضعیت تأهل
۰/۰۰۱	۲۷۳/۷۶	۷/۰۱۲	۳/۶۹	۳۴/۷۸	۸۴/۰۶	۱۶۶	مجرد
			۲/۱۲	۲۲/۳۲	۵۹/۹۵	۱۱۰	متأهل

جدول ۷ نشان می‌دهد که میانگین دنیاگرایی در مجردها، بیش از متأهل‌ها است و آزمون لوین حکایت از آن دارد که تفاوت بین واریانس‌ها ($F = ۲۷/۹۹۵$) در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین، با فرض عدم تساوی واریانسها از آزمون t استفاده شد و نتایج در جدول منعکس گردید. جدول به ما می‌گوید: مقدار $t = ۷/۰۱۲$ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنادار است؛ یعنی میزان دنیاگرایی در افراد مجرد، بیش از افراد متأهل است.

بحث و نتیجه‌گیری

پرسش‌نامه سنجش دنیاگرایی با روایی و اعتبار بسیار خوب، ثابت کرد که می‌توان برای مفاهیم دینی، مقیاس و پرسش‌نامه تهیه کرد. پرسشنامه دنیاگرایی می‌تواند در پژوهش‌های روان‌شناختی استفاده شده و رابطه آن با دیگر متغیرهای روانی بررسی شود. این پژوهش نشان داد که امکان تبیین معارف دینی به روش تجربی قابل فهم برای دانشمندان تجربی وجود دارد. اجرای پرسش‌نامه در بین طلاب و دانشجویان، و افراد مجرد و متأهل، و بررسی نتایج به دست آمده، ثابت می‌کند که دنیاگرایی در افراد مجرد، بیش از افراد متأهل و در افراد دانشگاهی بیش از افراد حوزوی است.

چرا دنیاگرایی در دانشجویان، بیش از حوزویان است؟

برای تحلیل این واقعیت می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

محتوای علمی که در حوزه و دانشگاه تدریس می‌شوند در دانش پژوهان اثر مخصوص خود را می‌گذارد؛ چراکه علم، غذای معنوی روح است و غذا می‌تواند

باعث حیات و قوت و قدرت تغذیه کننده شود و ازسویی می تواند باعث مسمومیت و سرانجام هلاکت متغذی گردد. به همین دلیل، خداوند متعال می فرماید: «انسان باید به غذای خود بنگرد» (عبس: ۲۴). از امام باقر علیه السلام نقل شده است که در تفسیر این آیه فرمود: «عَلِمَهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ»؛^{۱۶} «یعنی منظور از طعام در اینجا، علم و دانش است که غذای روح است؛ باید بنگرد که آن را از چه کسی گرفته است. نظیر همین معنا از امام صادق علیه السلام نقل شده است. بدون شک، معنای ظاهر آیه، همان غذاهای جسمانی است که در آیات بعد مشروحاً ذکر شده، ولی غذای روح را نیز از طریق قیاس اولویت می توان استفاده کرد؛ چراکه انسان، ترکیبی از روح و جسم است و همان گونه که جسم او نیاز به غذای مادی دارد، روح او نیز محتاج به غذای روحانی است و جایی که انسان باید در غذای جسمانی دقت شود و سرچشمه آن را که باران حیات بخش است، طبق آیات بعد بشناسد، باید در غذای روحانی خود نیز دقت به خرج دهد که از طریق باران وحی به سرزمین قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می گردد و از آنجا در سینه های معصومان علیهم السلام ذخیره می شود و همچون چشمه های جوشانی در صحیفه قلوب مؤمنین جاری می گردد و انواع میوه های لذت بخش ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی را پرورش می دهد. آری انسان باید درست بنگرد که سرچشمه اصلی علم و دانش او که غذای روحانی اوست، کجاست؛ مبادا از سرچشمه آلوده ای تغذیه شود و روح و جان او را بیمار کند یا به هلاکت افکند».^{۱۷}

بنابراین محتوای درس دانش پژوهان، شدیداً بر علایق و گرایش های آنها مؤثر است؛ تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس به کلام گوینده ای گوش فرا دهد، در واقع، او را عبادت کرده است؛ اگر گوینده از خدا بگوید، خدا را عبادت نموده و اگر از شیطان بگوید، شیطان را عبادت کرده

است.^۸ بنابراین، علومی که ریشه در قرآن و سنت پیامبر گران‌قدر اسلام صلی‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام دارد، در مخاطبان طهارت و نورانیت ایجاد می‌کند و علومی که از ذهن‌های آلوده به مسکرات، عقل‌های اسیر غضب و شهوت، و دل‌های در بند شرک و کفر برخاسته است، آثار ویرانگر خود را برجای می‌نهد. بنابراین، ریشه این اختلاف حوزویان و دانشگاهیان را در محتوا و سرشاخه‌های علوم آنها باید جست.

چرا دنیاگرایی افراد متأهل کمتر از افراد مجرد است؟

۱. غریزه شهوت در افرادی که به سن بلوغ می‌رسند، به بالاترین درجه رشد خود می‌رسد و آنها را تهییج کرده و کشش بسیار نیرومندی در آنها به امور شهوت‌انگیز ایجاد می‌کند. دیده می‌شود در افراد مجرد، گاهی تمام سرمایه روانی فرد معطوف به این غریزه می‌گردد؛ به گونه‌ای که فرد سرمایه دیگری در اختیار ندارد که برای تحصیل، عبادت، خدمت و... سرمایه‌گذاری کند؛ در نتیجه، از فعالیت‌های روزمره باز می‌ماند. اگر امکان برآورد این گرایش طبیعی برای فرد فراهم نگردد، به دلیل قدرت بالای شهوت، فرد دچار عدم تعادل روحی می‌شود و به مصداق آیه زین للناس حب الشهوات من النساء (آل عمران: ۱۴) میل شدید به یکی از برجسته‌ترین مظاهر دنیا، یعنی علاقه به جنس مخالف، پیدا می‌کند. در این حال که افراد مجرد به دلیل نیاز شهوانی، با این فشارهای روانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به تعبیر قرآن کریم، افراد متأهل به واسطه ازدواج تسکین و آرامش یافته‌اند و این گرایش‌های شدید را با ازدواج کنترل کرده، خاطر خود را تسکین بخشیده و به آرامش رسیده‌اند. «و از آیات الهی برای شما این است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش یافته، با هم انس گیرید و میان شما رافت و مهربانی برقرار فرمود». (روم: ۲۱)

«این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که آن دو جنس، مکمل یکدیگرند و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند. به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد و از اینجا می‌توان نتیجه گرفت کسانی که به این سنت الهی پشت پا می‌زنند، وجود ناقص دارند. به هر حال، این آرامش و سکونت، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی، و هم از جنبه فردی و هم اجتماعی است. عدم تعادل روحی و ناآرامی‌های روانی که افراد مجرد با آن دست‌به‌گریبانند کم‌وبیش بر همه روشن است». ^۹ پس به وسیله ازدواج، سرمایه روانی که معطوف به ارضای غریزه شهوت بود، با ارضای صحیح آن، آزاد می‌شود و فرد به آرامش می‌رسد. با ازدواج، یکی از پرجاذبه‌ترین استوانه‌های دنیاگرایی، در نظر انسان کمرنگ می‌شود.

۲. ازدواج باعث می‌شود که فرد، احساس مسئولیت بیشتری کند؛ خود را در خصوص تربیت و تأمین معاش خانواده مسئول بداند و در تنگناهای مختلفی که در فراز و نشیب زندگی با آن روبه‌رو می‌شود، بیشتر به ضعف خود و قدرت خدا توجه پیدا کند و از راه آزمایش و خطا برایش ثابت می‌شود که خالق و رازق، تنها خداست و کمتر مادیات را منشأ اثر مستقل می‌یابد؛ در نتیجه، دنیاگرایی افراد متأهل، کمتر و سلامت روانی آنها بهتر خواهد شد.

چرا بین دنیاگرایی و جنسیت رابطه‌ای یافت نشد؟

پژوهشگر از ابتدای امر بر این باور بوده است که دنیاگرایی در زنان بیش از مردان است و این واقعیت را با نظری به جهان خارج می‌توان استنباط کرد؛ چراکه بالاترین بازار مصرف لباس و پوشاک و وسایل لوکس، اختصاص به زنان دارد و توجه ایشان به پوشش، مد لباس، مد وسایل منزل و... بیش از مردان است.

علت این امر می‌تواند غلبهٔ عواطف و احساسات بر عقل و دوراندیشی در زنان باشد. در نظام احسن، زن به دلیل وظیفهٔ خطیر تربیت فرزند و شوهرداری نیازش به عواطف و احساسات، بسیار بیشتر از نیاز او به عقل و دوراندیشی است و لازمهٔ این غلبهٔ احساسات، توجه بیش از حد به ظواهر فریبندهٔ دنیاست. درک همین واقعیت توسط افراد فرصت طلب است که زمینه را برای سوءاستفادهٔ آنان از این ویژگی زنها فراهم می‌کند؛ در نتیجه، با آوردن اجناس متنوع مصرفی و لوکس، آنها را به خرید بیشتر دعوت می‌کنند. مولا امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به همین واقعیت اشاره می‌کند؛ آنجا که در اوصاف زنان، می‌فرماید: «همت و اهتمام زنان بر زینت زندگی دنیا و فساد در آنهاست». البته توجه به این نکته نیز خالی از لطف نیست که این سخن گهربار، حکم غالبی برای زنان را بیان می‌کند؛ وگرنه زنانی هستند که با تربیت در دامن فرهنگ اسلام به بالاترین فضایل دست یافته‌اند؛ تاجایی که امام علیه‌السلام فرمودند: «یک زن صالح از هزار مرد غیر صالح بهتر است».^{۲۱}

اما اینکه چرا این پژوهش میدانی، رابطه‌ای بین جنسیت و دنیاگرایی نشان نداد، می‌تواند چند دلیل داشته باشد:

۱. نمونه، معرف جامع نبوده باشد؛
 ۲. خانم‌ها با دقت کافی به پرسش‌نامه جواب نداده باشند؛
 ۳. پرسشنامه، نیاز به اصلاح داشته باشد؛
 ۴. با توجه به اینکه زنان گروه نمونه، همگی از قشر تحصیل کرده‌اند، ثابت نشدن فرضیه، نشانهٔ تأثیر محتوای آموزشی و اثرپذیری خانم‌ها از تحصیلات باشد؛ یعنی فرضیه در شرایط معمولی ثابت است، ولی در اینجا متغیر دیگری وارد میدان شده است و نخست باید اثر آن را کنترل کرد.
- در اینجا یک نمونه پرسش‌نامهٔ دنیاگرایی ارائه می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

لطفاً این جمله‌ها را با دقت بخوانید و هر پاسخی را که با وضعیت شما تطبیق می‌کند، علامت بزنید. خواهشمند است برای پاسخ دادن به هر پرسش، زیاد متوقف نشوید و نخستین پاسخی که به ذهنتان آمد و آن را با حال خود مناسب دیدید، علامت بزنید. پیشاپیش از همکاری شما در این پژوهش علمی، متشکرم.

مواقف	تا حدودی موافقم	مطمئن نیستم	تا حدودی مخالفم	مخالفم	میزان تحصیلات (سال چندم): رشته تحصیلی: سن: مناهل: # مجرد: # شهرستان محل سکونت: وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده (شغل و درآمد): ضعیف # متوسط # خوب # عالی #
					۱. معمولاً از وضعیت خود راضی و خشنود نیستم.
					۲. در مصائب و مشکلات بسیار صبور هستم.
					۳. اگر پولی از من کم شود، مدت‌ها فکرم مشغول بوده و ناراحتم.
					۴. من هیچ عیب و نقصی در خود نمی‌بینم.
					۵. به ندرت به خاطر مسائل مادی عصبانی و خشمگین می‌شوم.
					۶. در زندگی همواره دغدغه‌هایی دارم که مرا به شدت نگران می‌کند.
					۷. دارای ضریب هوشی بسیار بالایی هستم و خیلی زود از مسائل سر در می‌آورم.
					۸. به هر دری که می‌زنم، به خواسته‌ها و آرزوهای خود نمی‌رسم.
					۹. دوست دارم موفقیت‌های خود را برای دیگران تعریف کنم.
					۱۰. بسیار کم صحبت می‌کنم.
					۱۱. در مجموعه‌ای که در آن قرار دارم، احساس می‌کنم هیچ‌کس توانایی‌های مرا ندارد.
					۱۲. احترام اساتید و آموزگارانم را بر خود لازم می‌دانم و پیش پای آنها بلند می‌شوم.
					۱۳. اگر کسی حقی از من ضایع کند، هیچ‌گاه از دلم خارج نمی‌شود؛ هرچند او عذرخواهی کند.
					۱۴. به نظر من، دیگران چنان کمالی ندارند تا من به خاطر آن، آنان را تحسین کنم.
					۱۵. مشکل مردم عراق و فلسطین به خود آنها مربوط می‌شود؛ ما نباید خود را به خاطر آنان به زحمت بیافکنیم.
					۱۶. اگر حق کسی را ضایع کنم، درصدد جبران برآمده و به راحتی از او عذرخواهی می‌کنم.
					۱۷. معمولاً در بین خویشاوندان به آنها که ثروت بیشتری دارند، علاقه‌ام زیادتر است.
					۱۸. معمولاً درصدمد خوبی‌های مردم را بیان کنم و بدی‌های آنان را بیوشانم.

					۱۹. از کمک کردن به دیگران لذت می‌برم.
					۲۰. همیشه بدی‌های مردم بیش از خوبی‌های آنان در نظرم جلوه می‌کند.
					۲۱. از این‌که با پوششی ساده، در مجلس باشکوه ثروتمندان وارد شوم، احساس حقارت می‌کنم.
					۲۲. میل ندارم با افراد فقیر ارتباط برقرار کنم و آنها را در شأن خود نمی‌دانم.
					۲۳. از تعریف و تمجید دیگران نسبت به خود، احساس خشنودی می‌کنم.
					۲۴. در عروسی و عزا به خاطر حرف دیگران هزینه‌های گزافی را متحمل می‌شوم.
					۲۵. با نشاط نماز می‌خوانم.
					۲۶. به‌ندرت، تنها به خاطر ترس از خدا مجلس گناهی را ترک کرده‌ام.
					۲۷. اگر نماز قضا شود، اصلاً ناراحت نمی‌شوم.
					۲۸. به‌ندرت نمازهایم (مخصوصاً نماز صبح) قضا می‌شود.
					۲۹. در حال آسایش، از شکر خدا غافل نمی‌شوم.
					۳۰. انگیزه‌چندانی برای ادای نماز و روزه مستحبی ندارم.
					۳۱. نگاه به نامحرم برایم به‌صورت امری عادی درآمده و خود را به خاطر آن سرزنش نمی‌کنم.
					۳۲. خیلی برایم سخت است که قسمتی از دارایی خود را به اسم خمس یا صدقه، به دیگری بدهم.
					۳۳. وقتی پای وظیفه شرعی در میان باشد، مخالفت دیگران برایم پیشیزی ارزش ندارد.
					۳۴. تعطیل کار و صرف هزینه بسیار به خاطر انجام حج، برایم قابل هضم نیست.
					۳۵. معمولاً بسیار می‌خندم و برنامه‌های فکاهی و سرگرمی را بسیار می‌پسندم.
					۳۶. هنگام صرف غذا، خیلی بیش از حد نیاز می‌خورم.
					۳۷. بسیار می‌خوابم و احساس می‌کنم نیازم به خواب برطرف نمی‌شود.
					۳۸. دوست دارم ماشین مدل با لای گران‌قیمت داشته باشم.
					۳۹. برای آسایش خاطر سعی می‌کنم همیشه مبلغ قابل توجهی پس‌انداز داشته باشم.
					۴۰. دوست دارم منزلی وسیع، مجلل و با تزیینات عالی داشته باشم.
					۴۱. برای من کسب درآمد مهم است؛ مهم نیست از چه راهی باشد.
					۴۲. هنگام غذا بسیار نشاط دارم.
					۴۳. با پول می‌شود هر مشکلی را حل کرد و از دیگران بی‌نیاز شد.
					۴۴. به تجملات و پوشش ظاهری بسیار حساسم و اگر لباسم از مد بیفتد دیگر آن را نمی‌پوشم؛ اگرچه نو باشد.

					۴۵. گاهی برای جلب توجه دیگران، به فکر جراحی پلاستیک می‌افتم.
					۴۶. بسیاری از احکام اسلامی با زمان ما سازگار نیست و احتیاج به تغییر و اصلاح دارد.
					۴۷. حجاب با حد و مرزی که عالمان دینی می‌گویند، بسیار پرزحمت، دست‌وپاگیر و غیرقابل اجراست.
					۴۸. سنگسار، اعدام، شلاق و بریدن دست که حد شرع است، انسانی نیست و با حقوق بشر سازگار نمی‌باشد.
					۴۹. ما هم مانند جوامع متمدن، به جای اعدام و.... باید با افراد خاطی مثل بیمار برخورد کنیم.
					۵۰. بانک‌داری بدون ربا قادر به رقابت با بانک‌های جهانی نیست و باید تغییر کند.
					۵۱. تبعیض‌هایی که بین زن و مرد وجود دارد (از قبیل ديه، ارث و قيموميت) باید از بین برود.
					۵۲. افرادی که به‌جای اضافه‌کاری و کسب درآمد بیشتر، وقت زیادی را در مساجد و مجالس مذهبی می‌گذرانند، نرمال نیستند.
					۵۳. دنیا چنان جذاب است که می‌گویم نقد را بچسب؛ حالا کو تا آخرت.
					۵۴. حرام بودن و یا پایان‌پذیری، چیزهایی نیست که بشود به‌خاطر آن از این همه لذات دنیوی بگذریم.
					۵۵. مرگ یک حادثه سهمناک است و من به‌ندرت درباره آن می‌اندیشم.
					۵۶. هیچ‌گاه برای رسیدن به لقای الهی و دیدار ائمه معصومین علیه السلام آرزوی مرگ نکرده‌ام.
					۵۷. دوست دارم صدها سال زنده بمانم و از لذات دنیا بهره ببرم.
					۵۸. هیچ‌گاه اعمال خود را بررسی نکرده‌ام تا از کارهای بد احتمالی پشیمان شوم.
					۵۹. به‌شدت از مرگ می‌ترسم و نمی‌توانم آن را به‌عنوان یک حقیقت مسلم بپذیرم.
					۶۰. بعید می‌دانم وقتی انسان بمیرد و تنها خاک و استخوانی از او باقی بماند، دوباره زنده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، *مبانی اخلاق*، / عبدالله جوادی آملی، *انسان در قرآن* / سیدعبدالحسین دستغیب، *قلب سلیم*، ۱۳۶۸ / محمدتقی مصباح، *راهیان کوی دوست* / ناصر مکارم شیرازی و همکاران، *تفسیر نمونه*.
۲. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص ۲۳.
۳. همان.
۴. همان.
۵. صبحی صالح، *نهج البلاغه*، ص ۲۲۵. خطبه ۱۶۰.
۶. دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۲۰۷ خطبه ۱،۹.
۷. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص ۲۴.
۸. همان.
۹. نهج البلاغه، ص ۲۰۷ خطبه ۱۰۹.
۱۰. همان.
۱۱. نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح، ص ۳۰۳، خطبه ۱۹۳.
۱۲. همان، ص ۵۲، خطبه ۵.

۱۳Content Validity

۱۴. مهدی ایران‌نژاد پاریزی، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ص ۱۲۰.

۱۴Levin.

۱۶. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۴۹.
۱۷. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۲۶، ص ۱۴۴.
۱۸. محمدبن حسن حرعاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۷، ص ۱۲۸.
۱۹. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۲۶، ص ۲۰۷.
۲۰. نهج البلاغه، ص ۲۱۴ خطبه ۱۵۳.
۲۱. محمدبن حسن حرعاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۱۷۲.

منابع

- جوادی آملی، عبدالله، *مبانی اخلاق*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷.
- جوادی آملی، عبدالله، *انسان در قرآن*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۲.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن، *وسایل الشیعه*، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۶-۱۳۸۹.
- دستغیب، سید عبدالحسین، *قلب سلیم*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۸.
- دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه امام علی علیه السلام*، قم، مشهود، ۱۳۷۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی، چ سوم، ۱۳۶۳.
- ایران نژاد پاریزی، مهدی، *روش های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، مدیران، ۱۳۷۸.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ چهارم، ۱۳۷۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، اسوه، ۱۳۷۲.
- مصباح، محمد تقی، *راهیان کوی دوست*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ج ۲۶، ۱۳۶۶.
- دشتی محمد، *ترجمه نهج البلاغه امام علی علیه السلام (دشتی)*، قم، موسسه انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- صبحی صالح، *نهج البلاغه*، ناشر، مؤسسه دارالهجره، قم، مصحح، صبحی صالح، ج ۱.
- آلن، مری جی. - وندی، ام. ین، *مقدمه ای بر نظریه های اندازه گیری*، مترجم: علی دلاور، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- الآمدی التیمی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۷ ق.